



## بیانات در دیدار اعضای شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت (ع) - 4 / مهر / 1370

بسم الله الرحمن الرحيم

در ابتدا از آقایانی که تشریف آوردند، مخصوصاً از آقایانی که از راه دور تشریف آوردند، خیلی تشکر می‌کنم. حقاً جلسه‌ی وزین و عظیمی است و آدم آرزو می‌کند که کاش فراغت می‌داشت و می‌توانست در چنین جلسه‌هایی با چنین مصاحبانی، ساعت‌های متمادی بنشیند و استفاده کند. این مجموعه‌ی که من الان مشاهده می‌کنم (1)، حقاً و انصافاً چنین مجموعه‌ی را نداریم. آقایانی که هرکدام برای کارهای عظیم مایه‌ی امیدند، حالا برای این کار جمع شده‌اند؛ این واقعاً خیلی ارزش دارد. هرچه ممکن است، باید از آقایان برای این کار استفاده شود.

کار بسیار مهم است. در ذهن من، این یکی از مهمترین کارهایی است که مجموعه‌ی کنونی جمهوری اسلامی، از سیاسیون و علمایش، باید به فکر آن می‌بودند و بایستی انجام می‌دادند. این، هدف بسیار بالایی است.

درباره‌ی اهل بیت (علیهم‌السلام) هم مطلبی نمی‌گویم؛ جز این که عرض بکنم این بزرگواران همواره مظلوم بودند - «و لم نزل اهل البیت مظلومین» (2) - و همچنان مظلوم هستند؛ به خاطر این که برای بسیاری از مسلمین، معارفشان شناخته نیست و راهشان مشخص نمی‌باشد. این مسؤولیت به عهده‌ی ماست که هرچه می‌توانیم، در جهت معرفی اهل بیت و روشن کردن راه آنها و متشکل کردن پیروان آنها و هدایت بچه‌های شیعی به سمت اهداف اهل بیت تلاش کنیم. ما خواستیم که این مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام) در این طریق کار یک مرکز را بکند.

بدیهی است که همه‌ی کارهایی که در این زمینه باید کرد، از عهده‌ی یک مجموعه خارج است؛ لیکن این مجموعه می‌تواند برای بسیاری از کارها مرکزی باشد و خیلی از کارهای دیگر را هدایت کند. آنچه که برای من و شما و شیعیان مناطق دیگر عالم و بسیاری از مردم خود ما که از این قضیه آگاه هستند، توقع برانگیز است، نفس اعلان این مسأله است. این خودش توقع برانگیز است. منتظرند که حالا در دنباله‌ی این کار چه خواهد شد.

به نظر من، این مجمع دو نوع کار اصلی دارد، که اگر ما بتوانیم این دو نوع کار را شروع کنیم و منتظر چیز دیگری نمانیم، بقیه‌ی کار را بتدریج می‌شود انجام داد.

یک کار، کار شکلی است. شکلی، نه به معنای تنظیمات اداری - حالا این هم در مقدمات کار است و بتدریج هم می‌شود - بلکه به این معناست که ما باید نفس این احساس رابطه را در همه‌ی شیعیان اهل بیت در سراسر عالم زنده نگهداریم؛ یعنی باید احساس کنند که این رابطه ایجاد شد. همه‌ی احزاب این‌طورند. این، حزب نیست؛ اما هر مرکزی که بخواهد با یک مجموعه‌ی وسیع سروکار داشته باشد، اهم کارهایش این است که احساس ارتباط را زنده نگهدارد. یعنی شیعه‌ی هند، شیعه‌ی پاکستان، شیعه‌ی آفریقا، شیعه‌ی امریکای لاتین، شیعه‌ی اروپا و شیعه‌ی منطقه‌ی خاورمیانه، احساس کنند که از این مرکز شیعی و از این جمع جهانی با آنها رابطه‌ی برقرار است؛ لااقل هر سال دو بار یا سه بار، جزواتی، مطبوعاتی، نوشته‌ی، مطلبی از این مرکز به او برسد، تا احساس ارتباط کند. مثل الکترونیایی که در سیم‌های برق داریم در حال حرکت هستند و رابطه را برقرار می‌کنند، باید دایم این جریان متصل باشد و این جا مرکز باشد و کار بشود و برساند. تا کلید زده شد و جریان قطع شد، او احساس خلاً خواهد کرد؛ سرد خواهد شد و



جدا خواهد گردید. اگر این طور باشد، نمی شود کار کرد. ما باید این را هدف قرار بدهیم. البته کار سختی است و به نظر من مجمع اهل بیت تا به این جاها برسد، زمان زیادی طول می کشد.

ما باید فکر کنیم ببینیم چه کار باید کرد. آیا باید جزوه های خاصی فرستاد؟ آیا باید دفاتری در آن جاها به وجود آورد؟ آیا باید در مسائل جاریشان، پاسخهای روشن و صریح را در مقابل آنها گذاشت؛ که مرحله ی بعدی و متعالیش این است.

فرض بفرمایید الان اگر شیعیان کشمیر که جزو مجموعه ی مسلمین کشمیرند و یک اقلیت هستند، از ما سؤال بکنند که ما در فلان قضیه چه باید بکنیم، این مجمع جهانی باید از موضع یک مطالعه و تدبر سنجیده، پاسخ آنها را حاضر داشته باشد و به آنها ارائه دهد. و همین طور شیعیان بقیه ی مناطق - در اروپا و جاهای دیگر - که غالباً در اقلیت هستند، مسائلی برایشان پیش می آید که ما بایستی همیشه پاسخ سؤالها و مسائل آنها را حاضر داشته باشیم؛ چه سؤالهای سیاسی، چه سؤالهای فقهی، و چه بقیه ی مسائلی که برایشان پیش می آید. این، حد اعلای ارتباط است؛ بیشتر از این ارتباط واقعاً نمی شود. باید منتهای ارتباط با اینها باشد، تا این مرکز شما آن مجموعه را در دست داشته باشد. این، کار شکلی است؛ یعنی ما این ارتباط را حفظ کردن. چون ارتباطاتی که با این اعتبارات سروکار دارد، ارتباط جسمانی و مادی و واقعی و ملموس نیست؛ ما بایستی از آن منشأ اعتبار افاضه ی رابطه بشود؛ والا اگر افاضه قطع شد، ارتباط کهنه می شود و رابطه قطع می گردد.

مطلب دوم، مسأله ی محتوایی است. ما برای اعلای کلمه ی اهل بیت باید کارهایی انجام بدهیم؛ اولاً باید خود اهل بیت را معرفی بکنیم، ثانیاً در جهت ترویج افکار آنها بکوشیم. آیا امروز در جهان اسلام کتابهایی درباره ی اهل بیت (علیهم السّلام) وجود دارد که باب این زمان باشد و با زبان مناسب نوشته شده باشد، یا نه؟ البته بیشتر تصور من این است که ما به طور کامل نداریم. حالا شاید بعضی از گوشه و کنارها چیزهایی باشد. اگر هست، ما اینها را برای دانشجویان، برای جوانان به طور عام، برای روحانیون، برای عامه ی مردم، برای کسانی که تحت تأثیر تبلیغات قرار گرفتند، پخش و منتشر کنیم و در اختیار بگذاریم. هم در باب معرفی شخصیت اهل بیت (ع) باید کتابها و نوشته ها منتشر شود و کار فرهنگی وسیعی انجام بگیرد، و هم در باب آراء و افکار و معارفی که در زمینه ی مسائل اسلامی - یعنی در اصول اسلامی و در عقاید اسلامی و سایر معارف - از آنها رسیده است.

ما از اهل بیت (علیهم السّلام) چیزهای زیادی داریم؛ چیزهایی است که اگر امروز عرضه بشود، دنیا را واقعاً در مقابل خودش به اعجاب و امیدار می دارد؛ مثل این نهج البلاغه. روی نهج البلاغه کار بشود، نکات مهمش برداشته بشود، تفکیک بشود، مطالبش تفسیر و حلاجی بشود، در روایات فحص بشود. این قدر ما معارف عالیه داریم که امروز بشر محتاج آنهاست. اینها از زبان اهل بیت، به عنوان بیان اهل بیت و به عنوان اسلامی است که اهل بیت معرفی می کنند. پس، ترویج افکار اهل بیت هم یک نکته است.

مسأله ی بعدی، فقه اهل بیت است. فقه اهل بیت، از طرفی منشأ قابل بحث کردن است؛ یعنی ما در این بحث کنیم که اگر کسی بخواهد فقه صحیح اسلامی را به دست بیاورد، کدام راه اسلم و اتقن است، تا به این نتیجه برسیم که راه اهل بیت کدام است. این، یک فکر و یک ایده است؛ این ایده را بایستی در دنیای اسلام منتشر کرد. از طرف دیگر، متن فقه اهل بیت هم قابل بحث است. کتبی که امروز از ما در دنیای اهل تسنن منتشر شده، مثلاً کتاب



«مختصرالتافع» مرحوم محقق (3) است، که يك جزوه‌ی مختصر و بی‌استدلال است. بعضی کتابهای مختصر دیگری هم منتشر شده است و من چون به خاطر ندارم، نمی‌توانم عرض کنم. اجمالاً آنچه که من می‌دانم، کتابهای کمی از ما در بین اهل سنت منتشر شده است. ما در دنیای اسلام، این فقه راقی پیشرفته‌ی پُر فرع عمیق را باید معرفی کنیم.

کتابهایی که از فقه مذاهب دیگر برای ما می‌آورند، من گاهی در بین آنها بعضی چیزهای خیلی سطحی و خیلی کم‌ارزش را از لحاظ علمی می‌بینم، که تحقیق شده، تصحیح شده، فهرست‌بندی شده، کار شده و ارائه شده است؛ در حالی که فقه ما این‌طور نیست. ما مثلاً «مبسوط» شیخ طوسی (4) با این عظمت را - که چاپ تهران است، ولی ظاهراً چاپ دیگری هم دارد، اما من ندیده‌ام - که نه يك غلطنامه‌ی درست و حسابی دارد، نه يك فهرست دقیق دارد، در اختیار چه کسی بگذاریم؟ این، ارزان فروختن آن سرمایه‌ی است که ما داریم. اگر ما بخواهیم این کتاب را همین‌طور به يك فقیه سنی یا يك حقوقدان سنی که با مسائل فقهی آشنایی دارد، ارائه بدهیم، واقعاً کتاب خودمان را کوچک کرده‌ایم. این کتاب باید تصحیح بشود، فهرست‌بندی بشود و به طور فنی رویش کار بشود. اینها عرضه‌ی فقه اهل بیت است.

آن مسأله‌ی موضوعی فقهی‌یی (5) که جناب آقای هاشمی (6) دنبالش هستند، به نظر من یکی از مصادیق این کار است. کار مهم و عظیمی است که انجام می‌گیرد و از این قبیل بایستی انجام بگیرد.

من از کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی مشهد خواستم که فهرست کتب فقهی چاپ نشده‌شان را برای ما بفرستند؛ حدود سیصد و خرده‌یی عنوان کتاب برای من فرستادند. آدم بعضی از این کتابها را می‌بیند، ولی نمی‌شناسد؛ اما پیداست که کتاب مهمی باید باشد. فرض کنید ملای معروفی مثل شیخ جعفر کاشف‌الغطاء (7)، مثلاً درباره‌ی مسأله‌ی تحقیق کرده؛ این قاعدتاً پُر مطلب است. در میان آن کتابها، هم از قدما و هم از متأخرین کتاب دیده می‌شود. کتابهایی هست که کسی آنها را نمی‌شناسد و از آنها خبر ندارد؛ همین‌طور آن‌جا مانده است. ما باید اینها را در بیاوریم و رویشان کار کنیم. یا کتابهای رایجی که در اختیار ماست - اینهایی که حتی چاپ شده و بد چاپ شده - به همین شکل باید تجدید نظری نسبت به آنها صورت بگیرد. پس، این هم يك گونه کار است، که معرفی فقه اهل بیت است. اینها بایستی انجام بگیرد و همین مجمع جهانی باید بر این چیزها اشراف داشته باشد.

مسأله‌ی دیگر هم مسأله‌ی حجت اهل بیت و ولایتشان است؛ همین کاری که مرحوم سید شرف‌الدین (رضوان الله تعالی علیه) (8) با آن وسعت نظر و با آن قدرت انجام داده، و قبل از ایشان، مرحوم میرحامد حسین و دیگران این کارهای مهم را انجام دادند. این کار بایستی به زبان امروز و مناسب با امروز و بدون دعوا و بدون درگیری انجام بگیرد. بالاخره سخن تشیع بایستی ارائه بشود؛ دیگران دارند این کار را می‌کنند.

من دیدم که اخیراً کشورهای عربی، این کتاب «تحفه اثنی عشریة» (9) را - که خود کتاب، کتاب تفرقه‌افکنی و برانگیزاننده‌ی اختلافات است و در حقیقت بر ضد و ذم شیعه و در مدح اهل بیت است - خلاصه کرده‌اند و با زبان عصر و با بهترین چاپ و با فهرست و با تصحیح منتشر نموده‌اند. این کتاب شاید مثلاً در صدوپنجاه سال قبل - یعنی در زمان شاه ولی‌الله دهلوی - نوشته شده است، که مرحوم «میرحامد حسین» همین کتاب «عباقت» را در جوابش نوشت. ما شیعیان هنوز چاپ‌شده‌ی کتاب «عباقت» با این عظمت را نداریم! حالا اگر چاپ هم بشود، آیا



می‌تواند در محافل علمی دنیا، با آن عظمت و ضخامت و فارسی، عربی مخلوط مطرح بشود؟ این خودش جای بحث دارد.

یکی از توطئه‌هایی که امروز وجود دارد، جدا کردن شیعه از اهل بیت است. اصلاً می‌خواهند بگویند شیعیان به اهل بیت کاری ندارند؛ اینها خودشان را به اهل بیت چسبانده‌اند! محتوای «تحفه اثنی عشریه» همین است. مؤلف، این کتاب را به نام ائمه‌ی اثنی عشر اسم‌گذاری کرده و می‌گوید: «سمّیته تحفه اثنی عشریه تمسکاً بالائمه اثنی عشر». از همه‌ی بزرگواران - از امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) تا حضرت مهدی (عجل‌الله تعالی فرجه) - اسم می‌آورد؛ ولی می‌گوید ما با اینها سروکار نداریم - اینها که ائمه‌ی ما هستند - ما با این شیعه سر و کار داریم که خودشان را به اینها چسبانده‌اند! حرفهای اهل بیت را به عنوان حرفهای شیعه ذکر می‌کنند و سپس رد می‌کنند!

همه‌ی اینها، کار متمرکز را در محیط شیعی ایجاب می‌کند. در محیط شیعی، بر اساس همان اخلاص و احساس مسؤولیت، انصافاً خیلی کار شده است. در طول تاریخ، علمایی از قبیل «قاضی نورالله» (10) ها و دیگران و دیگران نشستند و با مظلومیت کتابهایی نوشتند؛ خدای متعال هم به خاطر همان مظلومیت، برکت داده و منتشر شده است؛ لیکن گنجینه‌ی ما خیلی قویتر از اینهاست.

در مورد تنظیمات و تشکیلاتی که جناب آقای امینی (11) اشاره فرمودند، طبیعی است که اساس کار، تشکیلات است. شکی نیست که تا تشکیلاتی نباشد، هیچ چیزی بر اساس آن نمی‌شود بنا کرد؛ لیکن در ایجاد تشکیلات نباید خیلی معطل ماند.

از زمانی که این کار شروع شده، تا حالا، یک سال و خرده‌یی می‌گذرد. یک سال، انصافاً زمان زیادی برای تشکیلات است. این چیزها باید زود تمام بشود؛ حالا ولو به آن کمال هم نباشد. مثلاً فرض کنیم که پانزده، شانزده نفر در این جا نشسته‌ایم و چیزی به ما عرضه شده است. نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که مثلاً صد سطر است، اما ده مورد اشکال دارد؛ یعنی یک‌دهم سطور اشکال دارد. اگر بگوییم می‌شود در این جلسه حلش کرد، فبها و نعمة؛ اگر نشد، می‌گوییم خیلی خوب، حالا نود سطرش که خوب است؛ این را تصویب و بتدریج اصلاحش می‌کنیم؛ مگر این که یک اشکال اصولی باشد. یعنی در این طور مواقع، در برابر امر بین خوب و خوبتر، برای خوبتر نباید خیلی یقه‌درانی کرد؛ شد، شد؛ نشد، کار را عقب نیندازیم، تا به نقطه‌ی شروع برسیم. نقطه‌ی شروع کجاست؟ تشکیل یک دبیرخانه‌ی فعال.

جناب آقای امینی فرمودند که آقایان کم وقت می‌گذارند. وقتی که آقایان می‌گذارند، دو نوع است: یک نوع وقت تخطیط و برنامه‌ریزی و خط نشان دادن و راه نشان دادن است؛ همان چیزی که فرمودید. ممکن است حالا ماهی یک بار یا پانزده روز یک بار لازم باشد که این افراد دور هم جمع شوند، و در آینده ضرورت آن به شش ماه یک بار برسد. اگر ما یک دستگاه اجرایی فعال داشته باشیم که مشغول کار باشد و خاطرمان جمع باشد، مهم نیست که حالا این جمع بنشینند برنامه‌ریزی بکنند یا نکنند. این جمع را باید در حد برنامه‌ریزی نگهداشت؛ اگر آن را در اجرا آوردیم، اجرا لنگ خواهد شد. ما باید به اصطلاح این لوکوموتیو را از قطار اجرا جدا کنیم، تا او خودش بتواند کار خودش را بکند؛ این را فقط برای برنامه‌ریزی بگذاریم. حالا پانزده روز یک بار، یا ماهی یک بار کافی است که دور هم بنشینند و برنامه‌های کلی بریزند. هرچه می‌توانیم، بر قسمت اجرا - که مرکز و قمه‌اش همان دبیرخانه است - فشار



بیاوریم.

اگر در جمع آقایان کسانی هستند که نشاط کار و دلهره‌ی کار دارند، خیلی خوب، در دبیرخانه کمک کنند؛ منافاتی هم ندارد. فرض بفرمایید یک نفر در این جا عضو شورای عالی است؛ فرضاً در مسأله‌ی معاون دبیرکل، یا داوطلب انجام کاری هم در دبیرخانه باشد؛ مانعی ندارد، او می‌تواند این کار را انجام بدهد.

آن چیزی که به نظر من مهم است، قسمت جناب آقای تسخیری (12) است. ایشان نیروی واقعاً پُرفیض و پُربرکتی هستند. خدای متعال برکات زیادی را به آقای تسخیری عزیزمان عنایت کرده است. به نظر من - همان طور که فرمودید (13) - بد نیست که ایشان وقتها را تقسیم کنند؛ مثلاً یک سوم وقت را برای مجمع اهل بیت، یک سوم وقت را برای کاری که در دفتر دارند - که خیلی از کارهای دیگر هم می‌تواند در همین دو سوم جمع بشود - یک سوم آخر را هم برای سایر کارها بگذارند. دیده‌اید که در بودجه، بخش سایر می‌گذارند. اگر بشود به این ترتیب وقت را منظم کرد و معلوم بشود که ما مثلاً یک سوم وقت دبیر کل این مجموعه را داریم، کارها زودتر به نتیجه می‌رسد.

در مورد شعب اروپایی و یا جاهای دیگری که اشاره کردید، البته خوب است؛ لیکن من الان خائتم از این که در آن جا چنین چیزی ایجاد بشود؛ چون هیچ برنامه‌ی نداریم. اینها برای ایجاد سر و صدا خوب است. اگر آدم برنامه‌اش این باشد که سر و صدا ایجاد کند و جو تبلیغاتی به وجود بیاورد، البته خوب است که شعبه‌ی تأسیس بشود؛ لیکن الان معلوم نیست که این سر و صدا خیلی لازم باشد؛ حتی در مواردی خیلی جایز باشد؛ چون حساسیتها روی مسائل مربوط به اهل بیت زیاد است؛ نه فقط از طریق اهل سنت، نه، اصلاً استعمار می‌داند که از کجا بترسد. حقیقتاً «المؤمن لا یلدغ من جحر مرتین» (14)؛ اما کفار هم گاهی اوقات «لا یلدغون من جحر واحد»! آنها هم بالاخره فهمیده‌اند که آن جایی که مکتب اهل بیت دارد، وضع چگونه است. آنها لبنان را می‌بینند، عراق را می‌بینند، همه جا را می‌بینند، ایران را هم دیده‌اند. بنابراین، گمان نمی‌کنم که خالی از حساسیت باشد. شاید الان خیلی ضرورت نداشته باشد، لیکن در نهایت چاره‌ی نیست و باید انجام بشود.

ما الان برای این که در یک کشور حداقل یک نفر روحانی با صلاحیت وجود داشته باشد و بخواهیم در آن جا کارهایی بکنیم، واقعاً دچار مشکلیم؛ که خود شما الان چه قدر این مشکل را لمس می‌کنید. اگر بخواهید دفتری درست کنید که زیدی برای شما باشد و کار بکند، من خیال می‌کنم که الان دچار مشکل خواهید شد. از حالا بروید از آن نیروهای محلی و امکانات طبیعی استفاده کنید. گاهی افرادی به خارج می‌روند؛ از اینها به عنوان رابط این قضیه استفاده کنید. مثلاً ما الان کسانی از بزرگان و از فضلا و از اهل علم داریم که به مناسبتهای گوناگون - مثل مناسبت بیست و دوم بهمن - به این جا و آن جا می‌روند. اگر شما کار حاضر و آماده داشته باشید، یکی از مأموریت‌های این آقایان در این سفرها، کار این مجمع خواهد بود؛ مثلاً گفته شود شما در این سفر، با این مجموعه تماس بگیرید، یا این مطالب را مطرح کنید.

به نظر من، یکی از خطراتی که این طور مجموعه‌ها را تهدید می‌کند، دلبسته شدن و وابسته شدن به کارهای ظاهری است، که در باطن امر کار نیست. مثلاً بعضی از اجتماعها، بعضی از موضعگیریها، تأسیس بعضی از دفاتر، گاهی هم شخصی برود با یکی تماس بگیرد، مادامی که برنامه‌ریزی نشده نباشد، خیلی کار نیست. اگر برنامه‌ریزی شده و هدایت شده باشد، چرا. ممکن است بگویند شما در ماه یا پنج نفر، ده نفر از شخصیتها در آن جا مرتب تماس بگیرید؛





خودتان هم برای تماس دیگران آماده بنشینید. این باید برنامه داشته باشد و قبلاً معلوم باشد که در این ملاقاتها چه می‌خواهیم داده بشود و چه می‌خواهیم گرفته بشود؛ چه به آنها محول کنیم و از آنها چه بخواهیم. غرض، همه چیز به آن بخش اجرایی در دبیرخانه برمی‌گردد. هر کدام از آقایانی که بتوانند در آن بخش همکاری کنند، بسیار خوب است.

به نظر من، به برادرانی که در خارج هستند، نباید خیلی فشار آورد که باید حتماً حضور پیدا کنند. همان طوری که شما به آقای طبسی (15) اشاره کردید، مثلاً آقای فضل‌الله، (16) یا آقای سید ساجد (17) هم هر کدام همین قدر کار - گاهی شاید هم بیشتر - در مملکت خودشان دارند. به نظر من، اینها را باید در مجامع سالیانه خواست - حداکثر سالی دو بار - مابقی را از همین جانشینان باید استفاده کرد. آقای فضل‌الله به طور طبیعی سالی یک بار، دو بار - شاید هم گاهی بیشتر - در ایران هستند. آقای سید ساجد سالی یکی، دوبار به ایران می‌آیند. شما جلسه سالیانه خود را آن وقتی قرار بدهید که بناست مثلاً اینها به مناسبت بیست و دوم بهمن یا مناسبت‌های دیگر به ایران بیایند. شما جلسه را لنگ آنها نگذارید؛ همین‌طور کار را ادامه بدهید. یا مثلاً اگر آقای سید جعفر مرتضی (18) به این جا تشریف بیاورند، خوب است؛ ولی اگر نتوانند حضور پیدا کنند، فرضاً آقای فضل‌الله ده روز قبل از برگزاری جلسه به ایشان بگویند که برنامه‌های این جلسه اینهاست؛ من دارم می‌روم، شما چه می‌گویید؟ آقای سید جعفر مرتضی هم از ده روز قبل فکر کند و نظرات خودش را به ایشان بگوید؛ نتیجتاً نظرات آقای سید جعفر مرتضی منضم به نظرات ایشان خواهد شد و دو نظر ارائه خواهد گردید. به نظر من، ما از این جهت ضرری نخواهیم کرد.

تکیه‌ی اصلی من روی بخش اجرایی مسأله است. آن گروه اجرایی که در دبیرخانه هستند، باید فعال باشند؛ همین مدیریت‌هایی که شما (19) فرمودید؛ حالا اسمش معاونت است، مدیریت است، یا چگونه می‌خواهد سازماندهی بشود که با آنچه به آن اصطلاحاً معاونت یا مدیریت می‌گویند، تطبیق بکند، من نمی‌دانم.

بخش‌های گوناگونی وجود دارد. مثلاً فرض کنید بخش ارتباطات جهانی، یک بخش است که یک مدیر مستقل می‌خواهد. این بخش باید دایم در فکر ارتباطات باشد؛ به بخش‌های مختلف مراجعه کند و هر چیزی که مایه‌ی ارتباط است، از آنها کسب کند؛ اگر نیست، خودش مایه‌ی ارتباط را به وجود بیاورد؛ یک پیام بدهد، یک پیام بگیرد؛ از آنها بخواهد که مثلاً در فلان مسأله اجتماع کنند، در فلان قضیه اعلام نظر کنند؛ بزرگان‌شان مجتمع بشوند. بنابراین، بخش ارتباطات بین‌الملل، بخش مهمی است.

بخش فرهنگی که مشتمل بر همین مواردی است که عرض کردم - یعنی معرفی اهل بیت (علیهم‌السلام) - بخش عظیمی است که احتیاج به مجموعه‌ی بزرگی دارد. آن وقت در کنار آن و در ضمن آن، همان بخش‌های فقهی لازم است. الان بحمدالله در جهت احیای آثار فقهی شیعه، واقعاً نهضتی شروع شده است؛ هم آنچه که در قم از طرف جامعه‌ی مدرسین انجام می‌شود - که بهترینش آن است - و هم آنچه که در بعضی جاهای دیگر - مثل اصفهان، قم، مشهد - به صورت متفرق دارد پخش می‌شود و خیلی خوب است؛ لیکن به اعتقاد من اگر آقایان در آن مسائل یک نوع اشراف داشته باشند - نه اشراف دخالتی؛ اشراف به عنوان نظر دادن و کمک کردن - خیلی خوب است. از جمله‌ی کارهایی که باید بکنید، این است.

الان همین کتاب‌هایی که جامعه‌ی مدرسین منتشر می‌کند، با این که کتاب‌های مهم و باارزشی است و ظاهراً هم خوب



چاپ می‌شود، لیکن باز در آن استاندارد انتشار بین‌المللی نیست؛ در حالی که ما دیگر بالاخره «سرائر» ابن‌ادریس (20) را ده بار که چاپ نمی‌کنیم؛ یک بار صد سال پیش چاپ شده بوده، حالا هم یک بار دیگر چاپ شده است. همین «سرائر» ابن‌ادریس، با این همه مطلب، با این همه لطافت، حقیقت است که واقعاً ما یک فهرست کامل و قوی از آن داشته باشیم، تا هر کلمه‌یی که بخواهیم، بتوانیم در آن جا پیدا کنیم؛ همین‌طور کتابهای دیگر و کتابهای قدما که دارد درمی‌آید.

همین کتاب «الینابیع الفقهیه» که آقای مروارید چاپ کرده، مجموعه‌ی ده، پانزده جلد است. وقتی این کار انجام شد، من خیلی خوشحال شدم؛ اما هر دفعه که مراجعه می‌کنم، از بس این کتاب غلط دارد، غصه‌یی در دل من می‌نشیند! آدم غصه می‌خورد وقتی که این کتاب را با این چاپ فاخر، با این کاغذ به این خوبی می‌بیند؛ ولی این همه غلط را هم مشاهده می‌کند! گاهی یک سطر از متن افتاده؛ اصلاً کار فنی نشده است. اینها انسان را متأثر می‌کند.

اگر قرار است کتابی چاپ بشود، اینها را آقایان نظارت کنند؛ اصلاً مشاور کتاب‌سازی داشته باشند. الان کتاب‌سازی و این‌که چگونه می‌شود یک کتاب را از اول تا آخر درآورد، یک فن است؛ متخصص دارد، دکتر دارد، کتابهایی درباره‌اش نوشته‌اند. من خودم یکی، دو جلد کتاب درباره‌ی فن کتاب‌سازی در کتابخانه‌ام دارم. اصلاً می‌گویند کتاب‌سازی چگونه است و آدم چه‌طور بایستی کتاب را از آب در بیاورد. کسانی هستند که متخصص این کارند؛ شما باید آنها را در این جا داشته باشید، از آنها مشورت بخواهید و به آن مشورت بدهید.

آدم نگاه می‌کند، می‌بیند که برادران اهل سنت از ما خیلی جلوتر هستند. همین کتابهایی که چاپ کرده‌اند، آدم می‌بیند واقعاً و انصافاً همه چیزش خیلی خوب است. البته آنها هم متأسفانه از غلط مصون نیستند؛ اما کتابهایشان کم‌غلط است؛ تصحیح خوب شده، تحقیق شده و از این قبیل.

علی‌ای‌حال، بخش فرهنگی هم بخش مهمی است که بایستی انجام بگیرد. البته بخشهای گوناگون دیگری هم وجود دارد - مثل بخش سیاسی و غیره - که طبعاً باید به آنها هم پرداخته شود؛ اما به نظر من این دو بخش اساسی است و هرچه زودتر بایستی ان‌شاءالله به نتیجه برسد.

من به طور یقین و صادقانه عرض می‌کنم که اگر وقت می‌داشتم، واقعاً در این مجموعه‌ی شما عضو می‌شدم و خودم کار می‌کردم؛ چون این کاری است که دیگر صدقه‌ی بی‌حرف است؛ هیچ حرفی در آن نیست. هر کاری که آدم می‌کند، ممکن است مثلاً یک گوشه‌اش خراب بشود؛ اما این دیگر لب‌لباب است؛ کار برای اهل‌بیت و افکار اهل‌بیت و درآوردن اهل‌بیت از مظلومیت. واقعاً دیگر از این کار بهتر چه می‌شود؟ شیرین‌ترین کارها این است. هرچه هم خرج این کار بشود، به نظر من بجاست.

شما این مسأله‌ی بودجه را، مسأله‌ی مهمی ندانید. من در امر بودجه‌یی که با حساب باشد و برای کاری که پسندیده و مورد قبول باشد، صرف شود، حدی قایل نیستم؛ مگر چیزی باشد که آدم در محاسبات و یا در بعضی از اهدافش حرف داشته باشد؛ والا در کاری که هدفش به این روشنی است، در کاری که به این خوبی است، مسأله‌ی بودجه را واقعاً نباید به حساب آورد.



این کارهای شکلی هم که حالا معمول شده است: سمینارهای بیخودی، سفرهای بیخودی، رفت و آمدهای بیخودی، خرجهای دروغی، این چیزها را من دور از شأن این مجموعه می‌دانم. البته یقین دارم که چنین مواردی وجود ندارد؛ اما می‌گویم که به آن طرفها نباید کشانده بشود.

در مورد استفاده از قم هم مطلبی را عرض بکنم. این مسأله‌ی حوزه‌ی قم به این معنا، مسأله‌ی خیلی اساسی است. ما باید واقعاً از این گنجینه‌ی قم استفاده کنیم. البته با قم دو گونه می‌شود تعامل داشت: یک طور این است که ما به قم برویم و جمعی از فضلا را جمع کنیم و بگوییم می‌خواهیم کارهایی انجام بدهیم. طور دیگر این است که ما این‌جا ببینیم از قم چه می‌خواهیم؛ درست مضبوط کنیم، بعد آن را به قم منتقل کنیم و کسی هم از جمع خود آقایان آن‌جا باشد و یک عده از فضلا را به همین ترتیبی که فرمودند - یعنی به صورت پاره‌وقت - به این کار ترغیب کند.

یکی، دو سال قبل از این با جناب آقای امینی صحبت شد که گروهی از فضلا و طلاب برای یک کار تحقیقاتی جمع بشوند، که البته دنبال هم نشد. خود شما هم تقریباً مثل همین آقای تسخیری گرفتار بودید! آقای امینی واقعاً کارهای بزرگی دارند و نمی‌رسند؛ کسی باید باشد که به این کار برسد و این کار انجام بشود.

مانعی ندارد که مرکزی به نام «مرکز تحقیقات» وابسته به مجمع جهانی اهل‌بیت تأسیس شود و افراد مختلف را به منظور برآوردن نیازهای خودش جذب کند. ممکن است کارهای تحقیقاتی‌یی در حال انجام باشد، که ما از آنها خبر نداریم. واقعاً الان در حوزه بسا محققانی هستند که خودشان دارند کاری را انجام می‌دهند؛ اما ما مطلع هم نیستیم؛ خیلی خوب، بیایند در این مرکز فعالیت کنند. من اخیراً شنیدم که یکی از آقایان فضلالی برجسته‌ی قم دارد بی‌سروصدا یک کار رجالی در طبقات رجال می‌کند. خود وجود این مرکز می‌تواند همه را جذب کند.

گردآوری شعر شعرای شیعه‌ی اهل‌بیت و امثال اینها هم خیلی مهم است. اینها کارهایی است که در طول تاریخ ما واقعاً از آنها غفلت شده است. البته نمی‌شود هم به این معنا گفت غفلت؛ نمی‌توانستند دیگر؛ اما حالا می‌توانند. ما از کتابخانه‌های دوردست بلافاصله میکروفیلم فراهم می‌کنیم و به این‌جا می‌آوریم؛ ولی آنها چنین امکانات و ابزارهایی نداشتند.

واقعاً از حضور آقایان خیلی استفاده کردیم. مصاحبت با شما آقایان و زیارتتان، برای من خیلی لذتبخش است. خداوند ان‌شاءالله به شما اجر بدهد.

ان‌شاءالله موفق باشید

1) آیه‌الله جنتی - آیه‌الله امینی - آیه‌الله جوادی آملی - آیه‌الله مؤمن - آیه‌الله مصباح‌یزدی آیه‌الله سید محمود هاشمی - حجة‌الاسلام والمسلمین تسخیری - حجة‌الاسلام والمسلمین دری نجف آبادی حجة‌الاسلام والمسلمین مجتهد شبستری - حجة‌الاسلام والمسلمین تقوی - حجة‌الاسلام والمسلمین حکیم حجة‌الاسلام والمسلمین صمدی - ملا اصغر علی جعفر - حجة‌الاسلام والمسلمین رضوی (از طرف حجة‌الاسلام والمسلمین سید ساجد علی نقوی) -





- حجة الاسلام والمسلمين مرتضى عاملی ( از طرف علامه سيد محمد حسين فضل الله ) - حجة الاسلام آل صاحب فصول  
( مسؤول دفتر شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت )  
2) بحار الانوار، ج 44، ص 63  
3) 602 - 676 ق.  
4) 385 - 460 ق.  
5) تهیهی دائرة المعارف فقه اسلامی اهل بیت ( ع )  
6) آية الله سيّد محمود هاشمی، عضو شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت ( ع ) و مسؤول مؤسسهی دائرة المعارف فقه اسلامی اهل بیت ( ع )  
7) 1154 - 1228 ق.  
8) 1873 - 1958 م.  
9) نوشتهی: حافظ غلام حليم دهلوی  
10) 956 - 1019 ق  
11) رئیس شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت ( ع )  
12) دبیرکل مجمع جهانی اهل بیت ( ع )  
13) آية الله امینی  
14) بحار الانوار، ج 19، ص 346  
15) نمایندهی ولی فقیه و تولیت آستان قدس رضوی  
16) از روحانیون لبنان  
17) از روحانیون پاکستان  
18) از روحانیون لبنان  
19) آية الله امینی  
20) 543 - 598 ق.